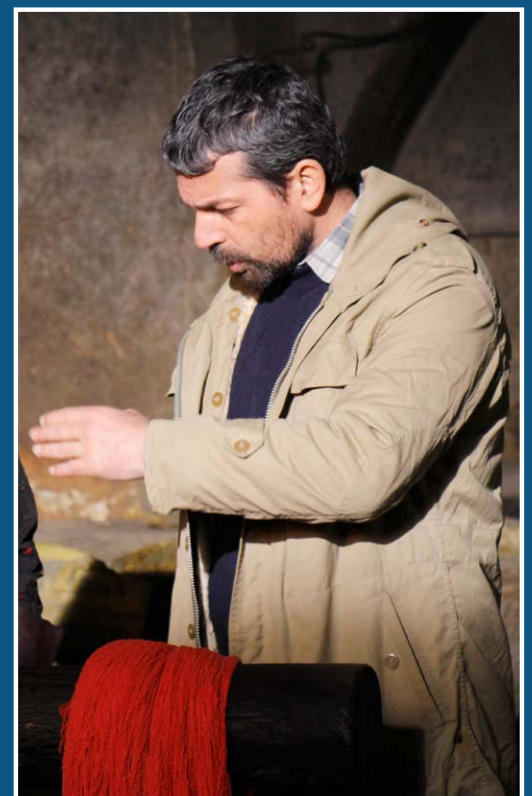
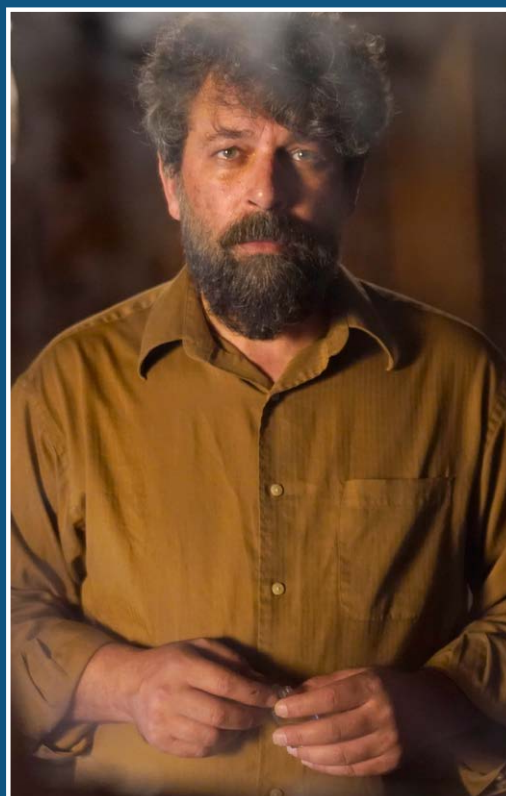
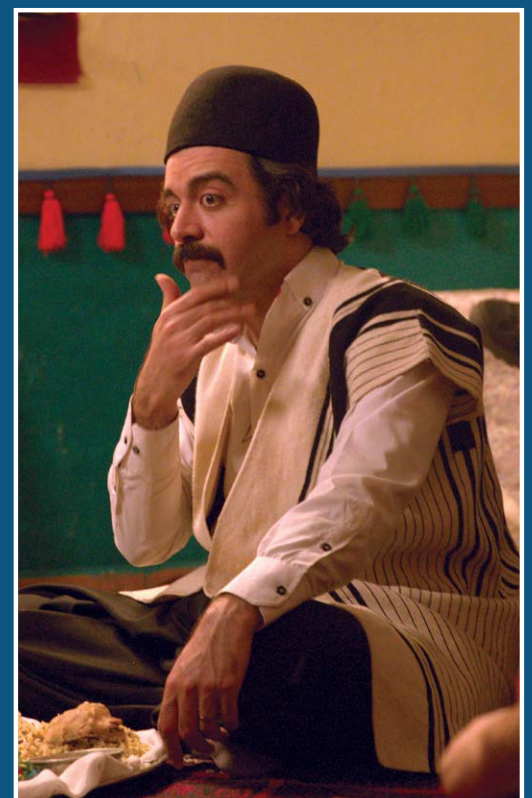


گفت‌وگوی صبا با کارگردانان بسته فیلم کوتاه «سیمرغ»

فیلم کوتاه از دریچه نگاه سیمرغ

بسته فیلم کوتاه «سیمرغ» شامل فیلم‌های «ارفاق» به کارگردانی رضا نجاتی، «شریف» به کارگردانی محمد علیزاده فرد، «دآبر» به کارگردانی سعید نجاتی و فیلم کوتاه «برنو» به کارگردانی محمد ثریا است. «سیمرغ» متفاوت‌ترین و ویژه‌ترین بسته فیلم کوتاه‌هاست که در گروه سینمایی «هنر و تجربه» اکران شده است. ۴ فیلم کوتاه که طی چندین سال اخیر جایزه «سیمرغ فجر» را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با کارگردانان این مجموعه فیلم را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو



سعید نجاتی کارگردان فیلم کوتاه «دآبر» بدعت در فیلمسازی برایم بسیار مهم است

سینما برای شما چگونه آغاز شد؟

من از سال ۷۹ وارد سینمای جوانان و سال ۸۶ نیز وارد دانشگاه شدم و تا مقطع ارشد به تحصیلاتم در زمینه سینما ادامه دادم. در طول دوران فعالیتیم بالغ بر ۳۰۰ فیلم مستند سفارشی کار کردم و ۱۶ فیلم کوتاه در کارنامه کاری‌ام دارم و بعد از فیلم «دآبر» تنها یک فیلم در دوران کرونا و همراه با پدر و مادر، به شکل خانوادگی ساختم چرا که در این دوران نمی‌توانستیم کلاز خانه خارج شویم و به نوعی تنها راه فیلمسازی همین به نظر می‌رسید و در حال حاضر نیز منتظرم که پروانه ساخت فیلم بلندم را بگیرم.

فیلمتان نام بسیار متفاوتی دارد.

در خطه غرب کشور، بره‌ای را که می‌خواهند از شیر بگیرند دآبر می‌نامند و اصطلاحاً گفته می‌شود که دآبرش کرده‌اند یعنی او را از مادر بریده‌اند و این فیلم نیز در مورد اولین نشانه بلوغ دختر بچه‌ای است که با پدرش در یک جاده برفی تنهاست و به نظر من این اسم برای فیلم خیلی مناسب بود.

ایده اولیه فیلم چگونه شکل گرفت؟

در بره‌های خارج از کشور بودم و دیدم که برای بلوغ فرزندانمان جشنی می‌گیرند. بعد در ذهنم این سوال پیش آمد که ما در ایران برای مواجهه با این موضوع چه می‌کنیم و در این مورد پژوهش انجام داده و دیدم که رویکردهای متفاوتی نسبت به آن وجود دارد که به نظر من به معنایی که می‌خواستم دراماتیک نبود. از سویی باید به این توجه می‌کردم که آسیبی به هویت مرد ایرانی در این میان وارد نشود و زیر سوال نرود به همین خاطر یک پدر سنتی ایرانی را کاراکتر اصلی قرار دادم که در مواجهه با این بلوغ هر چند که ممکن است نتواند به خاطر وجود یک سری مرزها چیزی بگوید و همانند آنچه در بعضی از کشورهای پدرها انجام می‌دهند رفتار کند اما در عین حال متوجه است که این موضوع تا چه حد مهم است، اما این اهمیت دادن با همان وجه شخصیتی که در همه پدرهای سنتی می‌بینیم ترکیب می‌شود.

آیا ساخت فیلم برای شما چالش خاصی داشت؟

یکی از اتفاقات خوبی که در این باکس افتاده این است که ما پشت صحنه فیلم‌هایمان را در پایان هر کدام از فیلم‌ها نشان می‌دهیم و شاید وقتی که مخاطب پشت صحنه‌ها را ببیند تازه متوجه شود که چگونه ماشین ما در مسیر برفی لیز خورده و بارها خاموش می‌شده و شاهد سرما و برفی می‌شود که شرایط را بسیار سخت می‌کرد. می‌توان راجع به تک‌تک این‌ها مفصل صحبت کرد اما ما ترجیح دادیم با نشان دادن بخشی از پشت صحنه آثار از سختی‌های ساخت این فیلم‌ها نیز برای مخاطب بگوییم. از طرفی هیچ کدام از ارگان‌های دولتی به خاطر موضوع اثر پای کار نمی‌آمدند تا اینکه در وهله اول خانم غلامحسینی در کنار کار قرار گرفتند و بعد آقای الوندی و خانم فاضلی به گروه تهیه‌کنندگان اضافه شدند و فیلم تولید شد و خدا را شکر در همان جشنواره‌های ایرانی که من اصلاً فکرم را هم نمی‌کردم بازخوردهای بسیار مثبتی دریافت کرد. یعنی هم از جشنواره رشد هم از فیلم کوتاه تهران و هم از جشنواره فجر که سیمرغ دریافت کرد.

این فاصله‌ای که از زمان ساخته شدن یک اثر تا اکرانش وجود دارد چه تاثیری بر فیلم‌ساز می‌گذارد؟

شخصاً همواره به دنبال ایده‌هایی هستم که تکراری نباشند و بداعت در فیلمسازی برایم بسیار مهم است. در اکران فیلم می‌دیدم که بسیاری از افراد می‌گفتند فیلم چه سوژه بکری دارد و این در حالیست که فیلم برای ۶ سال پیش است و شنیدنش برای من بسیار جذاب بود. فکر می‌کنم اگر ۱۰ سال دیگر هم بگذرد باز اگر کسی چنین سوژه‌ای را برای اولین بار ببیند برایش تازگی داشته باشد.

«دآبر» اولین تجربه بازیگری کودک فیلم بود. چگونه موضوع اثر را با او پیش بردید؟

من اصلاً راجع به موضوع فیلم با او صحبت نکردم چرا که نمی‌خواستم از لحاظ بازی گرفتن ذهنش درگیر این موضوع شود.